

هندسه فتنه؛ راهبرد جنگ افروزی یهود و رژیم صهیونی

حمیدالله رفیعی زابلی*

چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی ریشه‌های تاریخی، مفهومی و اعتقادی صهیونیسم و نسبت آن با یهودیت می‌پردازد. ابتدا مفاهیم یهود، بنی‌اسرائیل و صهیون از منظر تاریخی و متون دینی واکاوی شده و سپس با بررسی پیشینه برخی تشکیلات منتسب به صهیونیسم، پیوندهای تاریخی آن با تحولات سیاسی و مذهبی غرب تحلیل می‌شود. در ادامه، تمایز میان یهودیت به عنوان یک دین و صهیونیسم به عنوان یک جریان سیاسی تبیین و دیدگاه برخی جریان‌های ارتدکس یهود درباره مشروعیت دولت اسرائیل بررسی می‌شود. همچنین نقش جریان‌هایی چون فراماسونری و مسیحیت صهیونیستی در گسترش اندیشه صهیونیسم و تأثیر باورهای آخرالزمانی بر حمایت از اسرائیل مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش پایانی، با استناد به آیات قرآن درباره بنی‌اسرائیل و نیز برخی پیشگویی‌های دینی، رویکردهای صهیونیستی نقد شده و جایگاه مقاومت اسلامی در مواجهه با این جریان از منظر نویسنده تبیین می‌شود. نتایج پژوهش بر تمایز میان هویت دینی یهود و ایدئولوژی صهیونیسم و ضرورت شناخت مبانی تاریخی و اعتقادی این جریان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: صهیونیسم، یهود، بنی‌اسرائیل، شوالیه‌های معبد، فراماسونری، مسیحیان صهیونیست، زوال اسرائیل.

*. سطح چهار تخصصی کلام اسلامی، zabuli55@yahoo.com.

مقدمه

دولت نامشروع اسرائیل نزدیک به یک قرن است که با شناسه صهیونیسم در سرزمین فلسطین علیه مسلمانان و حتی مسیحیان، ماجراجویی کرده و امنیت کشورهای اسلامی و غیراسلامی را دچار مخاطره نموده است. در سالهای اخیر به خصوص در جنگ تحمیلی رمضان علیه جمهوری اسلامی ایران فتنه‌جویی این رژیم غیرقانونی برای همگان عریان شده و با شگردهای مخصوص به خود توانسته دولت آمریکا را علیه ایران و مسلمانان جهان وارد معرکه فتنه‌جویی و جنگ‌افروزی‌ای کند که در ذات این رژیم تثبیت شده است. این رژیم تحت عنوان اسرائیل در اکثر کشورهای دنیا نفوذی سری و علنی دارد و با نقشه‌های شیطانی قدرت‌های اقتصادی و نظامی را به نفع قوم یهود و بنی‌اسرائیل سوق داده تا بتواند قدرت خود را افزایش داده و یا دست‌کم این رژیم را از سقوط و نابودی حفظ کند. در کتاب‌های متعددی از فتنه‌گری و جنگ‌افروزی این قوم سخن گفته شده است، اما مقاله مستقلی در این رابطه مشاهده نگردید؛ از این رو این مقاله موضوع فتنه‌جویی و جنگ‌افروزی‌های قوم بنی‌اسرائیل را در مسائل متعدد مورد بحث و بررسی قرار داده است.

واژه‌شناسی

در رابطه با صهیونیسم و دولت اسرائیل واژه‌هایی قابل‌توجه هستند که نیاز به تعریف اجمالی دارند.

وجه تسمیه یهود

در وجه تسمیه این قوم به «یهود» دو قول وجود دارد:

یک قول این است که «یهود» از ماده «هود یا هیادت» با ماضی «هاد» و مضارع «یهود» گرفته شده است که به معنای توبه است. قوم یهود به‌خاطر این که گفتند: «إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ؛ ما به‌سوی تو بازگشته‌ایم» (اعراف، ۱۵۶) یهود نامیده شدند؛ زیرا آنان بعد از این که گوساله‌پرست شدند، از گوساله‌پرستی توبه کردند. قول دوم این است که یهود به علت نسبت آن‌ها به بزرگ‌ترین فرزند حضرت یعقوب (علیه السلام) که «یهودا» نام داشت، یهود نامیده

شدند و در تعریب «ذال» به «دال» تبدیل گشته است (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۸۱).

به این قوم بنی اسرائیل نیز گفته می شود به خاطر این که آنان از اولاد حضرت یعقوب (علیه السلام) هستند که ملقب به اسرائیل بود. امروز بر یهودیانی که فلسطین را اشغال کرده اند صهیونیست اطلاق شده به علت این که آنان کنار کوهی به نام صهیون در اورشلیم سکونت دارند که هیکل سلیمان (علیه السلام) و مسجد الاقصی و مسجد صخره بر آن بنا شده است (شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵).

صهیون

کلمه صهیون ۱۶۰ بار در کتاب های متعدد عهد عتیق ذکر شده و با عناوین مختلف به خصوص تحت عنوان شهر داود از آن تقدیس گردیده است (اول پادشاهان، ۸: ۲؛ دوم پادشاهان، ۱۹: ۳۲؛ اول تواریخ، ۱۱: ۶ و...)، اما جریان صهیون که امروز در اسرائیل تبلور یافته است داستان دیگری دارد.

نویسندگان کتاب خون مقدس و جام مقدس می نویسند:

«یک سازمان سرّی به نام دیر صهیون وجود داشت که نه سال قبل از آغاز جنگ صلیبی علیه اورشلیم و انتصاب «گادفری بوین» به عنوان پادشاه اورشلیم یعنی در ۱۰۹۰ م توسط «گادفری بوین» تأسیس شد. هسته این سازمان عبارت بود از گروهی راهب که از «کالابریا» در جنوب ایتالیا به منطقه «آردنس» نقل مکان کردند و در قطعه زمینی که توسط خانم «ماتیلدا دو توسکانی» در اوروال واقع در نزدیکی استنای (stenay) در فرانسه اهدا شده بود، دیری را بنا نهادند. آنگاه دیر یاد شده زیر نظر «ماتیلدا» قرار گرفت و اموال فراوانی از سوی وی به آن اختصاص یافت. گادفری بوین که مؤسس دیر صهیون بود پس از تصاحب تاج و تخت اورشلیم، سازمان دیر صهیون را از اروپا به اورشلیم منتقل کرد و به این ترتیب سال سقوط قدس و پایه گذاری پادشاهی اورشلیم سال ۱۰۹۹ م دیر صهیون به وسیله گادفری بوین بازسازی گردید. پس از انتقال دیر صهیون به سرزمین مقدس، گادفری بوین راهبان آن را در دیری که روی خرابه های یک کلیسای بیزانسی در کوه صهیون واقع در جنوب اورشلیم احداث کرده بود، اسکان داد و نام دیر را «دیر بانوی ما در کوه صهیون» نهاد» (بهاء الامیر، ۱۳۹۶، ص ۳۸۷-۳۹۰).

تپه و قلعه صهیون

«صهیون» نام تل یا تپه‌ای در اورشلیم یا جنوب بیت‌المقدس است که داود نبی بر آن حمله برد و با اخراج ساکنان اصلی یعنی یبوسیان، آن را تسخیر کرد و قلعه‌ای بر آن بنا نهاد تا مرکز حکومت او باشد. صهیون بدین جهت مکان مقدس یهودیان شد که اعتقاد یافتند خداوند، در آن سکونت دارد. این اعتقاد ناشی از وجود «هیکل» در صهیون است. هیکل ساختمانی بود که توسط سلیمان بن داود ساخته شد و کم‌کم به عنوان خانه خدا یا جای پای او و بالاخره میراث فرهنگی یهود، مظهر دینی و مرکز روحی و جاودانگی آنان گردید (واحدی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

ریشه صهیونیسم

صهیون، رفته رفته و به مرور ایام، مفهوم حکومت دینی یهود را به خود گرفت. صهیونیسم در ساده‌ترین تعریف، عبارت از استقرار یهودیان در فلسطین یا همان تپه صهیون است. هر یهودی که ترجیح بدهد در فلسطین و تحت لوای حکومت مستقل یهودی زندگی کند و همین‌طور هرکس که در این جهت تلاش کند، صهیونیست به‌شمار می‌آید. البته صهیونیسم، به صهیونیسم مذهبی و سیاسی تقسیم شده که صهیونیسم مذهبی نیز به عنوان ابزاری در دست صهیونیسم سیاسی قرار گرفته است. رسمی‌ترین تعریف صهیونیسم را می‌توان در دایرةالمعارف صهیونیسم و اسرائیل یافت که چنین تعریف شده است: «صهیونیسم کلمه‌ای که در سال ۱۸۹۰ برای جنبشی رایج شد که هدف آن، بازگشت قوم یهود به سرزمین اسرائیل (فلسطین) است. از سال ۱۸۹۶ صهیونیسم به یک جنبش سیاسی اطلاق می‌شود که توسط تئودور هرتزل تأسیس شد» (واحدی، ۱۳۸۲، ص ۲۷-۲۸).

رابطه صهیونیسم و یهود

همه یهودیان، صهیونیست نیستند. اصولاً جنبش صهیونیسم با آیین یهودی تفاوت‌های اساسی دارد. صهیونیسم از دین و مذهب به عنوان وسیله‌ای مؤثر و قدرتمند برای دستیابی به طرح‌های استعماری استفاده کرده و می‌کند. سران صهیون در موارد متعددی به بی‌ایمانی خود اعتراف می‌کنند و حتی به صراحت اعلام می‌دارند که باید از مذهب و نفوذ خاخام‌های یهود



در تثبیت این جنبش بهره‌برداری کرد. روزگارودی درباره تناقض یهود و صهیونیسم می‌نویسد: «ناتان وینستوک در کتاب خود تحت عنوان صهیونیسم علیه اسرائیل، این تناقض آشکار را چنین توضیح می‌دهد: «علت این که کهنه‌اندیشی و ارتجاع خاخام‌ها، اسرائیل را فرامی‌گیرد این است که عرفان صهیونیستی تنها با توسل به آیین یهود می‌تواند حالت انسجام پیدا کند. اگر مفاهیمی چون «قوم برگزیده» و «سرزمین موعود» را حذف کنید، پایه‌های صهیونیسم فروخواهند ریخت. به همین دلیل، احزاب مذهبی قدرت خود را به صورت متناقضی از تباری و همدستی با صهیونیست‌ها به دست می‌آورند. ساختار درونی صهیونیسم اسرائیل، تقویت حاکمیت مذهبیون را بر رهبران این کشور تحمیل کرده است. این حزب سوسیال‌دموکرات (mapai) بود که با تشویق بن‌گوریون، دروس مذهبی را به صورت اجباری در برنامه درسی مدارس وارد کرد، نه احزاب مذهبی (واحدی، ۱۳۸۲، ص ۴۱).

همچنین هر یهودی نمی‌تواند اسرائیلی باشد؛ زیرا صفت اسرائیلی دارای بعد نسبی و نژادی است و فقط کسانی دارای صفت اسرائیلی هستند که نسبشان به پیامبر خدا اسرائیل (حضرت یعقوب علیه السلام) متصل گردد و یا این که از نوادگان دوازده فرزند اسرائیل باشند (کتاب سموئیل، ۵: ۴-۵ و ۱۳: ۱۵؛ کتاب اول پادشاهان، ۲: ۱۱ و ۳: ۱۱-۴).

گروه‌های یهود

یهودیان معاصر در حوزه سیاست و اعتقاد به دو دسته تقسیم می‌شود. این تقسیم در آستانه برپایی دولت اسرائیل به وجود آمده است. یک دسته از یهودیان که اقلیت را تشکیل می‌دهند، یهودیان متدین و ارتدکس‌اند که در رویارویی با صهیونیسم قرار دارند. آنان به این باورند که جنبش صهیونیسم، رهایی دنیوی را جایگزین رهایی الهی کرده و پیش از ظهور مسیح نجات‌بخش، یهودیان را به مهاجرت به فلسطین فراخوانده و این فراخوانی، نقض آشکار تعالیم تورات است. افزون بر این صهیونیسم ذهنیت دینی یهودیان را به ذهنیت لائیکی تبدیل کرده که قوم یهود را همانند دیگر اقوام می‌شمارد و به قداست تورات احترام نمی‌گذارد. گرایش بنیادگرای ارتدکس نیز به نوبه خود به دو گروه منقسم گردید که گروه اول جنبش صهیونیسم را کفر و زندقه می‌داند و برپایی دولت یهود در فلسطین را کاری مغایر با ایده انتظار مسیح رهایی‌بخش می‌شمارد و از این رو دولت اسرائیلی گناهکار

است و همکاری با آن و با سران آن و نهادهای آن شرکت در گناه است. دو گروه ناطوری کارتا و طایفه خریدیه نمایندگان این تفکر هستند، اما گروه دوم با جنبش صهیونیسم و دولت اسرائیل راه سازگاری پیش گرفته و به عنوان یک «امر واقع» آن را می‌پذیرد و به تناسب نزدیک شدن دولت با احکام شرعی و یا دور شدن آن از تعالیم دینی به دولت نزدیک و یا از آن دور می‌شود و در حال حاضر حزب آگودات اسرائیل و دیگیل هیتواره و برخی گروه‌های دیگر نمایندگان این طرز تفکر هستند (ماضی محمد، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷-۳۲۸).

اما در مقابل یهودیان متدین، یهودیان لائیک و بی‌دین قرار دارند. این دسته از یهودیان بیشتر بر قدرت سیاسی متمرکز شده و به آموزه‌های تورات پایبند نیستند. دولت صهیونیستی اسرائیل بیشتر بر این دیدگاه مبتنی است؛ بنابراین دولت اسرائیل یک دولت دینی نیست؛ زیرا برپایی دولت یهودی در سرزمین فلسطین و کوچاندن یهودیان از سراسر جهان به آن سرزمین تا پیش از ظهور مسیح منتظر، با همان باورهای دین یهودی نیز تناقض آشکار دارد و چهره دینی آن از مرز سوءاستفاده از دین و به کارگیری دین در راه تحقق اغراض استعماری تجاوز می‌کند و حکومت عملاً در دست لائیک‌های غیرمتدین قرار دارد و بخش اساسی و عمده قوانین و مقررات دولتی برگرفته از فرهنگ و تمدن غربی و بیگانه با دیانت یهودی است و سیاست خارجی توسعه طلبانه آن بیش از آن که از تعالیم دینی نشئت گیرد از منطق زورگویی سرچشمه می‌گیرد. در درون خود دولت نیز شواهد بسیاری حاکی از مخالفت با ارزش‌های دینی به چشم می‌خورد، چنان‌که روابط جنسی میان زن و مرد آزاد است و همجنس‌بازی به موجب قانون مصوب مارس ۱۹۸۳ م تجویز گردیده و اسرائیل در زمینه صادرات فواحش مقام ممتازی دارد (ماضی محمد، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷). پس می‌توان گفت رژیم جعلی اسرائیل یک رژیم غیردینی و بلکه ضددینی بوده که قوانین و اصول حاکم بر آن هیچ تناسبی با اصول و تعالیم آیین حضرت موسی (علیه السلام) ندارد و در مقابل دسته دیگری نیز وجود دارد که بر اصول عقاید آیین یهود مقید هستند و رژیم صهیونیستی را به عنوان یک رژیم لائیک و غیریهودی می‌شناسند.

نقش آفرینی‌های یهودیان مخفی در مسیحیت

همان‌گونه که پولس یهودی‌الاصل آیین مسیحیت را به انحراف کشاند، پس از آن تا امروز



یهودیان در درون مسیحیت لانه کرده و از مسیحیان برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. کلیسای کاتولیک هرچند پطرس، حواری حضرت عیسی علیه السلام را به‌عنوان جانشین مسیح و رئیس کلیسای کاتولیک یاد می‌کند، اما بدون تردید پولس نقش اصلی در شکل‌گیری مسیحیت کاتولیک را داشته است (عبد خدایی، ۱۳۸۲، ص ۱۰). اگر پولس نبود به‌ظن قوی نوشته‌هایی در قالب انجیل‌ها و رساله‌های موجود (بوکای، ۱۳۸۸، ص ۷۸) و نیز کلیسای کاتولیک و مسیحیت یونانی‌مآب وجود نمی‌داشت (هانس کونگ، ۱۳۸۶، ص ۲۳) و این پولس است که مناصب سه‌گانه اسقف، پرسبیتز (کشیش) و شماس را در کلیسا تأسیس کرد (وان ووریت، ۱۳۸۴، ص ۷۳) و بدون پولس تغییری به‌دست کنستانتین صورت نمی‌گرفت و تغییرات بعدی الهیات مسیحی که با نام آگوستین، لوتر و بارت همراه بود قابل‌تصور نبود (هانس کونگ، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

یهودیت در طول عمر فتنه‌بار خود پیوسته منشأ جنگ‌های خونین شده و گویا ذات این طایفه با جنگ و فساد سرشته شده است. حتی جنگ‌های صلیبی که ظاهری کلیسایی و مسیحی دارد، سرشت، ماهیت و بنیان آن‌ها توسط بخشی از یهودیانی تعیین و تحمیل شد که در قالب شوالیه‌های معبد سلیمان فعالیت خود را به‌صورت مسیحی ولی در باطنی یهودی، آغاز و سازمان داده بودند. نخستین و بنیادی‌ترین هدف شوالیه‌های معبد سلیمان، فرسایش و فروپاشی مذهب کاتولیک و بازپس‌گیری اورشلیم، برقراری حکومت یهودی در آنجا و توسعه آن به دیگر مناطق برای تسلط کامل بر کل جهان بوده است. جنگ‌های صلیبی در جهان متوقف نشده است، بلکه پایه‌های جنگ‌های صلیبی همچنان ادامه دارد و آنچه امروز در سرزمین‌های اسلامی مثل عراق، افغانستان، لیبی، سودان و... در جریان است ریشه در همان تفکر داشته و بازیگران اصلی، هدایت‌گران، سازمان‌دهندگان و تسهیل‌کنندگان این جنگ‌ها همان تفکر خاص یهودی‌هایی است که باعث جنگ‌های صلیبی شده بودند (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۹).

عصاره اهداف واقعی شوالیه معبد، همان عصاره اهداف واقعی دیر صهیون بود و هر دو در پی زیر سؤال بردن مشروعیت پاپ سالاری، ریشه‌کنی اصول کاتولیک و نابودی مسیحیت بودند. همچنین موجودیت خود را حول محور معبد سلیمان استوار کردند.

سازمان شوالیه معبد بت‌پرستی و آیین‌های پاک‌نستی را جایگزین مسیحیت، خدا و آیین‌های مسیحیت کرد. دیر صهیون نیز با طرح نظریه خود درباره حق سلطنت خاندان مروونژی بر فرانسه آنگاه همه اروپا، مشروعیت و قدرت کلیسای کاتولیک را از میان برد و در واقع با این نظریه قصد داشت فرانسه و اروپا را به دوران پیش از مسیحیت یعنی دوران بت‌پرستی بازگرداند. یهودیان در اروپا برای رسیدن به اهداف یهودگرایی خود سازمان‌های سری متعددی را ایجاد کردند؛ از جمله سازمان «صلیب صورتی معبد و گریل» که در سال ۱۸۹۱ م توسط «جورج مونتی» که «کنت اسرائیل» نیز خوانده می‌شد در فرانسه تأسیس شد. وی یک فراماسون دارای درجه ۳۳ سبک اسکاتلندی بود. کنت اسرائیل یکی از بنیان‌گذاران سازمان «الفا گالاتس» همچنین به همراه «الیستر کراولی» انجمن «سپیده طلایی» را برای انجام و آموزش جادوگری تأسیس کرد. الیستر کراولی پدر شیطان‌پرستی نوین یکی از مهم‌ترین و پلیدترین شخصیت‌های تاریخ جهان به‌شمار می‌رود. کراولی که همجنس‌گرا از نوع مفعول و نه فاعل بود در فراماسونری اسکاتلندی به درجه ۳۳ رسید و در پایه‌ریزی چندین سازمان سری که برخی از آن‌ها فراماسونری و برخی دیگر اهداف جادوگرانه داشتند، مشارکت داشت. کراولی در سال ۱۹۲۰ م سازمان «دیر تلما» را تأسیس کرد تا فلسفه خود را در قالب آن به اجرا درآورد و آن را به الگویی عملی از جامعه بشری مطلوب خود تبدیل کند. سازمان معبد شرق یکی از مشهورترین سازمان‌هایی بود که ریاست آن را کراولی به‌عهده داشت که در سال ۱۹۱۰ م پس از دریافت درجه ۳۳ سبک اسکاتلندی به سازمان معبد شرق پیوست (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۲۱۹-۲۲۴).

در سال ۲۰۰۰ م انتشارات Element Books کتابی به نام پادشاه الهی (Rex Deus) را به چاپ رساند که روی جلد آن عبارت «راز حقیقی رین لوشاتو و نسل مسیح» و در پشت جلد آن دو عبارت «رازی که می‌تواند کلیسا را به لرزه درآورد و ریشه‌های آن را نابود کند» و «توطئه‌ای در طول قرن‌ها که شامل یک خون مقدس است» نوشته شده بود. مراد از پادشاه الهی حضرت داود علیه السلام است که یهودیان سعی داشته‌اند این پادشاهی را توسط نسل بنی‌اسرائیل به‌خصوص نسل داود در تمام اروپا حاکمیت ببخشند و برای این منظور در اروپا پراکنده شده و ریشه و نسب خود را پنهان کرده و قصد داشته‌اند مسیر تاریخ را طوری



جهت‌دهی کنند که آن هدف ولو پس از هزاران سال محقق شود. پراکندگی یهودیان در نقاط مختلف جهان، نداشتن قدرت، حکومت و سیطره امپراتوری روم و کلیسای کاتولیک بر اروپا، مانع دستیابی به این هدف بوده است و نفوذ در جوامع اروپایی، به‌دست گرفتن زمام امور در اروپا و کنترل ابزارهای جهت‌دهنده در این قاره، تنها راه دستیابی به هدف یاد شده تلقی شده است. در طول دوران عقب‌ماندگی غرب، این خاندان‌ها که از نسل داود و قبیله یهودا یعنی قبیله پادشاهی بودند از هرگونه اقدام ظاهری که ماهیت آن‌ها را فاش کند خودداری می‌کردند و تنها در پی نفوذ و هضم شدن در جوامع اروپا و آسیای صغیر، تقویت و ارتقای جایگاه در کنار دیگر طبقات بالنده و نفوذ به مراکز قدرت و جهت‌دهی بودند. به مرور زمان یکی از شاخه‌های خاندان پادشاه الهی به بخش اصلی خاندان ساکسون‌ها که بر انگلیس حکومت می‌کردند تبدیل شد. در فرانسه نیز یکی از شاخه‌های این خاندان‌ها در سده پنج میلادی حکومت فرانسه را در اختیار گرفت. یکی دیگر از شاخه‌های خاندان پادشاه الهی تاج‌وتخت اسکاتلند را مال خود کرد و خاندان حاکم بر این کشور نام گرفت. سینکлер یکی از خاندان‌های برآمده از بنی‌اسرائیل است که در زمان سقوط اورشلیم به‌دست رومیان و ویرانی معبد، از این شهر گریخت و به اروپا رفت. این خاندان توانست در درون اروپا جایگاهی رفیع برای خود دست‌وپا کند؛ زیرا از همان راهبرد ابداعی خاندان‌های پادشاه الهی پیروی می‌کرد. براساس این راهبرد، خاندان‌های یاد شده در جوامع میزبان هضم می‌شدند، به پذیرش فرهنگ‌ها و ادیان جوامع میزبان تظاهر می‌کردند و با ازدواج و پیوند زناشویی، تجارت، تشکیل ائتلاف و مشارکت شجاعانه در جنگ‌های جوامع میزبان علیه دشمنان این جوامع، به گسترش نفوذ و ارتقای جایگاه خود می‌پرداختند (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۲۵۶-۲۶۴).

مسیحیان صهیونیست

فعالیت‌های سری و ممتد یهودیان در اروپا و آمریکا نتایج مطلوبی برای آنان داشته است و بسیاری از مسیحیان را به حامیان خود تبدیل کرده، بلکه رنگ و لعاب یهودی به آنان داده است. با این‌که یسوع (حضرت مسیح)، یهودی زاده شد و در رأس آیین مسیحیت قرار گرفت تا بیانگر انقلابی علیه یهودیت باشد، اما جنبش اصلاح‌طلب پروتستان حیثیت و اعتبار

یهودیت را بازگرداند و باعث یهودی شدن مسیحیان آمریکایی گردیدند و به مسیح یهودی تبدیل شدند (هلال، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

پس از ثمرات فعالیت یهودیان، به وجود آمدن گروهی به نام مسیحیان صهیونیست است. این گروه مسیحیان بنیادگرایی هستند که به شدت علاقه مند به تشکیل دولت یهودی در فلسطین بوده و حمایت از آن را یک وظیفه مقدس برای خود می دانند. آنان براساس تفاسیری که از کتاب مقدس نموده اند معتقدند که جنگ آخرالزمان که منجر به ظهور مجدد مسیح و پیروزی او و سپاهش خواهد شد، در صحرای «مجدو» در فلسطین خواهد بود و نبرد «آر مجدون» (Armagedon) که رویارویی نهایی ایمان و کفر است و به تشکیل دولت هزارساله مسیح منجر خواهد شد (مکاشفه یوحنا، ۱۶:۱۶)، در آن سرزمین و تنها پس از گردهمایی بندگان برگزیده خدا در قلمرو «ارض موعود» به عنوان یک ملت، رخ خواهد داد (گریس، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹؛ مکاشفه یوحنا، ۱۶:۱۶).

در سال ۱۸۴۵، «ادوارد ال. میلفورد» از وزارت مستعمرات انگلیس در لندن این پیشنهاد را مطرح کرد: تأسیس ملت یهود در فلسطین، به صورت یک دولت تحت الحمایه و زیر قیمومیت بریتانیای کبیر که این قیمومیت، به محض این که خود یهودیان بتوانند از خودشان مواظبت و خود را اداره کنند، پس گرفته خواهد شد. او گفت: «وجود یک دولت یهود در لوانت (ساحل خاوری مدیترانه)، ما را در موقعیت مسلطی قرار خواهد داد تا بتوانیم از آنجا هر فرایند تجاوز، دست اندازی و تهدید دشمنانمان را زیر نظارت بگیریم و در صورت لزوم، پیشروی شان را عقب بزنیم». در طی ۱۵۰ سال، مسیحیان - بیش از همه در انگلیس و نیز در دیگر کشورهای اروپا و بعدها تا حدود چشمگیری آمریکا - تنها مدافعان صهیونیسم بودند. پروتستان ها [در تمام این یک قرن و نیم] در اصرارورزی خودشان به این نکته که فلسطین متعلق به یهودیان است - و اصرارشان بر این که همه یهودیان به آنجا بروند - تنهای تنها بودند. «رجینا شریف» در کتاب صهیونیسم نه یهودی خود می نویسد: «مسیحیان صهیونیست، فراتر از پرهیزگاری مذهبی، «انگیزه های سیاسی» داشتند و تأکید دارد بر این که، این انگیزه ها از همان آغاز، بس مهم تر از اعتقادهای مذهبی آنان بود» (گریس، ۱۳۷۷، ص ۲۲۰).

مسیحیان صهیونیست به امید ظهور آخرالزمانی حضرت مسیح (علیه السلام) در سرزمین موعود از صهیونیسم حمایت می‌کنند و تمام جنگ‌افروزی‌ها و فتنه‌جویی‌های آنان مبتنی بر این اعتقاد است که با بازگشت یهود به فلسطین و ایجاد دولت یهودی در این سرزمین و حادث شدن جنگ ارمگدون و شکست دجال حکومت حضرت مسیح (علیه السلام) در آخرالزمان تحقق می‌یابد (گریس، ۱۳۷۷، ص ۱۹).



از عقاید و آرمان‌هایی که در نزد صهیونیسم و مسیحیان صهیونیست از اهمیت خاصی برخوردار است جهانی‌سازی است؛ یعنی درصدد این هستند که یک دولت یهودی جهانی به‌پا کنند و همه دنیا را تحت تصرف خویش درآورند. به عقیده آن‌ها اگر از «نیل تا فرات» را به‌دست بیاورند بقیه مناطق خواهی‌نخواهی تسلیم خواهند شد (حسینی شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۲۹). جهانی‌سازی‌ای که امروز مطرح است ادامه همان جهانی‌سازی قرن دوازدهم میلادی است که به‌دست شوالیه‌های معبد طراحی شد. جهانی‌سازی قرن نوزدهم نیز ساخته‌وپرداخته فراماسونری است (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۳۹۸). جهانی‌سازی قرن بیستم و بیست و یکم ساخته و پرداخته شورای روابط خارجی آمریکا و گروه «بیلدربگ» است که در سطح بین‌المللی وجود دارد. نام عجیب این گروه از نام محل برگزاری نخستین اجلاس آن در ماه مه ۱۹۵۴ در هتل بیلدربگ واقع در شهر اوستربگ هلند گرفته شده است. والا حضرت پرنس بارنارد، شوهر ملکه هلند، این گروه را پدید آورده است. گروه بیلدربگ سالی یکی دوبار تشکیل جلسه می‌دهد. شرکت‌کنندگان در این جلسات، شخصیت‌های برجسته سیاسی از ایالات‌متحده و اروپای غربی هستند و هدف آن تأسیس حکومت جهانی است. در واقع گروه بیلدربگ نخستین مافیای اقتصادی جهان، نه‌تنها در قرن بیستم، بلکه شاید در تاریخ محسوب می‌گردد. رهبری و مدیریت گروه بیلدربگ اساساً در دست بانک‌های نیویورک به‌ویژه دو بانک چیس مانهاتان (Chase Manhatta Bank) و مورگان گارانتی تراست (Morgan Guaranty Trust) است که این دو بانک نیز خود نماینده مالی دو گروه بزرگ امپریالیستی یعنی گروه راکلفر و گروه مورگان می‌باشند. هرکدام از این گروه‌ها خود مشتمل بر صدها بانک و صنایع بزرگ و کوچک می‌باشند. ده‌ها استراتژی و دکترین در رأس اهداف پژوهشی و اجرایی گروه بیلدربگ قرار داشت که همه آن‌ها، استراتژی بزرگتری

تحت عنوان «ایجاد یک نظام واحد اقتصاد جهانی» حل و فصل می‌گشت که از راه اقتصاد، رسانه‌ها، سازمان‌ها و کنفرانس‌ها انسان‌ها را پله‌به‌پله در مسیر آن قرار می‌دهند (رحمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷).

همچنین صاحبان نهادهای گول‌پیکر مطبوعاتی و رسانه‌ای، صنعتگران و تجار بزرگ و برخی اعضای خاندان‌های سلطنتی یا دارای ریشه‌های سلطنتی در اروپا از گردانندگان این گروه هستند. به گفته پیتر تامسون گروه بیلدربرگ سوپر دولت جهانی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که به تخت نشستن سیاست‌مداران در گرو اراده اعضای گروه بیلدربرگ است و برخلاف توهمات انسان‌های ساده‌لوح سیاست‌مداران با خواست و اراده مردم به قدرت نمی‌رسند. بیل کلنتون رئیس‌جمهور آمریکا در حالی وارد گود انتخابات ریاست‌جمهوری شد که پیش‌تر به گروه بیلدربرگ معرفی شده و در جلسه این گروه که از ششم تا نهم ژوئن ۱۹۹۱ م در بادن بادن آلمان برگزار شد، رضایت آن‌ها را به‌دست آورد. تونی بلر نخست‌وزیر بریتانیا درحالی‌که برای ورود به انتخابات آماده می‌شد، موفق شد در جریان جلسه گروه بیلدربرگ در شهر وولینگمینی در نزدیکی آتن که از ۲۲ تا ۲۵ آوریل ۱۹۹۳ برگزار شد، موافقت و حمایت این گروه را جلب کند و همین‌طور سایر سیاست‌مداران غرب با موافقت و جلب رضایت این گروه وارد میدان سیاست شده و می‌شوند (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۳۹۹-۴۰۲).

ماهیت یهودی جنگ‌های صلیبی

با توجه به این‌که در قرون وسطی یهودیان در دستگاه کلیسا حتی در حد پاپ شدن نفوذ کرده بودند، در فاصله روزهای هجدهم تا بیست و هفتم نوامبر سال ۱۰۹۵ م «شورای کلرمونت» در جنوب فرانسه تشکیل جلسه داد (بهاء‌الامیر، ۱۳۹۶، ص ۳۱۷) و در پایان آن جلسه پاپ «اوربان دوم» که شاگرد وفادار برلیونای یهودی‌الاصل بود و اولین رهبر جنگ‌های صلیبی است، به زبان فرانسه سخنرانی کرد و در جنگ صلیبی اول هیجان را در مردم خود علیه شرق اسلامی ایجاد نمود که نتیجه آن آکنده از کینه، تخریب، نفرت و فتنه‌انگیزی نسبت به جهان اسلام گردید. در خطابه او مسلمانان فلسطین، موجودی لعین و دور از رحمت خدا و ملت ناپاک و نجس تعریف گردیده و مسیحیان را به‌عنوان قوم شجاع و مورد حمایت خداوند علیه مسلمانان تحریک نموده است (رشاد، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲-۱۰۴).



این فتنه جویی و جنگ افروزی های یهودیان و مسیحیان صهیونیست همچنان علیه مسلمانان ادامه دارد و امروز جنگ های خاورمیانه به خصوص جنگ علیه نظام اسلامی ایران ادامه همان جنگ های صلیبی است که با نقشه های صهیونیسم و قدرت نظامی و تبلیغاتی آمریکا جریان دارد و علت اصلی آن دشمنی این قوم با دین اسلام و مسلمانان است.

یهود سرسخت ترین دشمن مسلمانان

یهود از صدر اسلام تاکنون بدترین نوع دشمنی را با مسلمانان مرتکب شده و امروز در قالب صهیونیسم و دولت نامشروع اسرائیل از هیچ نوع جنایاتی نسبت به مسلمانان ابا نداشته و به دلیل همین دشمنی ریشه دار حتی به کشتن کودکان و شیرخوارگان مسلمان دست یازیده و به آن افتخار می کند. آنان به صورت وحشیانه با کشتن کودکان دانش آموز شهرستان میناب جنگ تحمیلی سوم را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. قرآن کریم دشمنی یهود را نسبت به مؤمنین در مقایسه با مسیحیان چنین بازگو می کند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيسِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ؛ یقیناً سرسخت ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت و البته نزدیک ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می یابی که گفتند ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی کنند» (مائده، ۸۲).

تاریخ اسلام به خوبی گواه این حقیقت است؛ زیرا در بسیاری از صحنه های نبردهای ضداسلامی، یهود به طور مستقیم یا غیرمستقیم دخالت داشتند و از هرگونه کارشکنی و دشمنی خودداری نمی کردند، افراد بسیار کمی از آن ها به اسلام گرویدند، درحالی که در غزوات اسلامی، کمتر مسلمانان را مواجه با مسیحیان می بینیم و نیز افراد زیادی از آن ها را مشاهده می کنیم که به صفوف مسلمین پیوستند. بسیاری از آن ها در برابر پذیرش حق خاضع بودند و تکبری از خود نشان نمی دادند، درحالی که اکثریت یهود به خاطر این که خود را نژاد برتر می دانستند، از قبول آیین اسلام که از نژاد یهود برنخاسته بود سر باز می زدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۵).

این دشمنان کینه‌توز مسلمانان بر طبق نقلی که شده بچه‌مسلمانی را که اسمش محمد باشد می‌زدیدند و به خانه می‌بردند و چندین نفر از یهودیان جمع می‌شدند و هرکدام در یک‌دست سیبی قشنگ و در دست دیگر زوبین تیزی (نیزه کوتاه و نوک‌تیز) گرفته و به‌طور دایره می‌نشستند و آن بچه را در وسط دایره جای می‌دادند و یکی از آن‌ها به او می‌گفت «محمّدو بیا سیبت بدو» یعنی ای محمدک بیا سیبت بدهم. آن بچه بیچاره به عشق سیب به‌طرف آن یهودی می‌دوید و دست دراز می‌کرد که سیب را بگیرد یهودی یک زوبین در بدن او فرومی‌کرد و بچه فریادش بلند می‌شد و یهودی دیگر می‌گفت «این آدم بدی است که تو را ضربت زد. محمّدو بیا سیب بدو، بیا پیش من». بچه پیش او می‌دوید او هم ضربت دیگری به او می‌زد و هکذا تا کار او را تمام می‌کردند» (رحمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱).

در همین سال گذشته از رسانه‌ها به‌طور شفاف منعکس گردید که در شهر مسکو یک یهودی، بچه‌مسلمان دو یا سه ساله را بلند کرده و به زمین می‌کوبد. این نوع برخورد هیچ توجیهی ندارد جز این‌که دشمنی ریشه‌ای یهود را نسبت به مسلمانان ثابت کند. در غزه و لبنان هم کشتار مردم بی‌دفاع و کودکان و زنان مسلمان توسط یهودیان با همین انگیزه امکان‌پذیر شده است.

نژادپرستی و خودبرتربینی

کینه‌توزی و تنفر یهودیان نسبت به مسلمانان و حتی مسیحیان از نژادپرستی و خودبرتربینی آن‌ها ناشی می‌شود. یهودیان برای دیگران ارزش انسانی قائل نیستند و با مردمان غیر از خود که آنان را «گوییم» می‌نامند، ارتباط و مراوده ندارند و هیچ‌گاه به ایشان اجازه ورود به محله‌های خود را نمی‌دهند و این ممانعت به‌منظور حفظ اصالت نژادی خویش است (کریمیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱). از دیدگاه آنان قوم اسرائیل قلب نوع بشر- است (هرتزرگ، ۱۳۹۸، ص ۳۰۳).

روحیه نژادپرستی یهود ریشه در باورهای دینی آنان دارد. توراتی که به اعتقاد مسلمانان تحریف شده است در بخش‌های فراوانی از اسفار خود با تعبیرهای گوناگون بر این امر تأکید می‌ورزد. از این‌رو این طایفه با الهام از تعالیم کتاب دینی تحریف شده خود، خوشتن



را برتر از همه مردم و تافته جدا بافته از ملل عالم می‌دانند؛ لذا اعتقاد به «برتری نژادی» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تعالیم تورات از بارزترین ممیزات فکری این قوم بوده و همچون خونی در شریان نظام اعتقادی آنان جاری است. در تورات آمده است: «چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایتان اختصاص یافته‌اید، او بین تمام مردم روی زمین شمارا انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید» (سفر تثنیه، ۷: ۶).

این اعتقاد چنان در بین این قوم برجسته است که حتی ارتکاب گناه هم نمی‌تواند به برتری آن‌ها لطمه وارد کند؛ چون معتقدند این گناهان روح یهودی را آن‌قدر نمی‌آلاید که خاک و گل مغز فندق را یعنی همچنان که خاک و گل به مغز فندق اثری ندارد، گناه نیز بر روح یهود اثری ندارد. همه آنچه در جهان است و همه اشیاء به‌ویژه حیواناتی که به شکل یهود باشد (انسان‌های غیر یهود) باید در خدمت یهودیان باشند (لوران، بی‌تا، ص ۱۹۱).

خاخام شنیور زالمان با نگاهی سخیف نسبت به غیریهودیان، کثرت تعداد غیریهودیان را همچون کثرت زباله‌ها می‌داند که یهودیان خارج از تلّ این زباله‌ها قرار دارند و می‌گوید: «یهودیان ذاتاً پاک و طیب و غیریهودیان طبعاً پلید و بزه‌کار هستند» (کریمیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷).

از آنجا که یهودیان خود را ملت برگزیده و دارای منزلت والای سامی می‌شمارند، هیچ‌کس را قابل قیاس با خویش نمی‌انگارند، حتی فرشتگان الهی نیز شایسته برابری با آنان نیستند، این قوم خویشان را چندان دارای شرافت می‌دانند که در مرتبه‌ای پس از خداوند می‌پندارند (کریمیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴).

بر این اساس همواره در پی آن هستند که خود را بر دیگران تحمیل کنند حتی اگر با زور و قتل و غارت باشد. در سفر اعداد می‌خوانیم: «این قوم، چون شمشیر برمی‌خیزند و تا وقتی که شکار خود را نخورند و خون کشتگان را ننوشند نمی‌خوابند» (سفر اعداد، ۲۳: ۲۴). در جای دیگر آمده است، حال برو و مردم عمالیق را قتل‌عام کن بر آن‌ها رحم نکن بلکه زن و مرد، طفل شیرخواره و گاو و گوسفند و شتر و الاغ، همه را نابود کن (کتاب اول سموئیل، ۱۵: ۳)؛ امروز صهیونیست‌ها درست این دستور را در رابطه با مسلمانان عملی می‌کنند.

برتری قوم یهود در قرآن

برخی می‌گویند قرآن هم بنی‌اسرائیل را برترین قوم جهان می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِّفُوا بَيْنَكُمْ وَارْزُقُوا كَمَا رَزَقْتُكُمْ عَلَى الْوَعْدِ» (مائده، ۲۰).

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت برتری نژادی از دیدگاه قرآن با هیچ معیاری پذیرفتنی نیست. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست). گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است) (حجرات، ۱۳).

براساس این آیه شریفه مردم از این جهت که مردم‌اند در نزد خداوند همه با هم برابرند و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست و کسی بر دیگری برتری ندارد و اختلافی که در خلقت آنان دیده می‌شود که شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله هستند [یهودی بودن، قریشی بودن، فارس و ترک و...] تنها به این منظور در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام بپذیرد و ائتلاف در بینشان تمام گردد. مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد و به سعادت حقیقی‌اش که همان زندگی طیبیه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌رساند، عبارت است از تقوی و پروای از خدا. وقتی یگانه مزیت تقوی باشد، قهراً گرامی‌ترین مردم نزد خدا باتقواترین ایشان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۹-۴۹۰).

با توجه به این‌که برطبق آموزه قرآنی معیار حقیقی برتری تقوا است، آیات مربوط به تفضیل بنی‌اسرائیل کمترین دلالتی بر برتری نژادی قوم یهود ندارد، بلکه این آیات نعمت‌هایی را که به این قوم سرکش داده به رخ آنان می‌کشد و به خاطر این‌که اکثر پیامبران را برای هدایت این قوم فرستاده و نعمت‌های مادی و معنوی را در اختیار آنان قرار داده،



این قوم را بر سایر اقوام از این جهت در همان زمان برتری داده است و درعین حال آنان با وجود این نعمت‌ها باز هم اصلاح نشده و تا امروز فتنه‌انگیزی می‌کنند. پس این قوم و هیچ قومی دیگری در نزد خدا به صورت ذاتی و نژادی قوم و نژاد برتر نیست. افزون بر آن اگر بنی‌اسرائیل در نزد خدا برترین اقوام بود نباید این قوم در قرآن در معرض نکوهش و سرزنش قرار می‌گرفت. حال آن‌که در قرآن کریم قوم بنی‌اسرائیل از جهات مختلف مورد نکوهش قرار گرفته است. اگر یهود قوم برتر بود نباید در قرآن سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان معرفی می‌گردید و نباید در قرآن فتنه‌جویی و ایجاد فساد به این قوم نسبت داده می‌شد.

فساد در زمین از مختصات بنی‌اسرائیل

یهود افزون بر این‌که سهم فراوانی در پیدایش بسیاری از جنگ‌ها و حوادث دارد، در فسادهای فرهنگی و دینی نیز نقش اساسی بازی می‌کند. بهایی‌گری، قادیانی‌گری و حتی وهابیت و فرقه‌های جدید معنویت‌گرا و جریان‌های انحرافی در سراسر جهان، محصول تلاش‌های فسادبرانگیز استعمار و دولت صهیونیستی است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

این‌که «حیفا» در قلب اسرائیل، شهر مذهبی بهاییان قرار داده شده و نقشه کشور غاصب اسرائیل، روی دیوار «حظیره القدس» بهاییان در آمریکا کشیده شده و افراد شناخته شده‌ای از یهود، تغییر مذهب داده به آیین ساختگی بهائیت درآمده‌اند، این نظریه را تأیید می‌کند. مکتب‌های فلسفی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی متعددی نیز توسط یهودیان ساخته شده که آسیب‌ها و چالش‌های بزرگی در مسیر حیات بشر- ایجاد کرده است؛ مثلاً مکتب کمونیسم به دست کارل مارکس و انگلس یهودی، مکتب اگزیستانسیالیسم به دست ژان پل سارتر یهودی، روان‌کاوی براساس غریزه جنسی به دست فروید یهودی، الحاق نظام خانواده به رنگ محیط در علم الاجتماع به دست دورکیم یهودی و ده‌ها مکتب انحرافی دیگر (قربانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶).

فراماسونری و شیطان‌پرستی که رابطه تنگاتنگی با هم دارند از دستاوردهای فسادبرانگیز دیگر یهودیان است. فراماسونری گسترده‌ترین و جهانگیرترین انجمن پنهانی است و با پیشرفت امپراتوری بریتانیا در جهان گسترش یافت. به همین جهت در جزایر

بریتانیا و کشورهای وابسته به امپراتوری یا زیر نفوذ آن از همه جا گسترده تر است (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱).

فراماسونری که ارتباط نزدیک آن با صهیونیسم، برمبنای تلقینات تورات شکل گرفته، در حقیقت یکی از شاخه های مخفی و سری فعالیت های یهودی گری است. ماسون ها سعی بر این دارند که ارتباط نزدیک تشکیلاتشان را با یهودی ها مخفی نگه دارند؛ چون از دیدگاه خودشان به جای عرضه آشکار اهداف و فعالیت های موازی با آرمان صهیونیسم، فعالیت سری و پشت پرده، در قالب افراد خیر و ایجاد مؤسسات کمک رسانی و نظیر این ها، نتایج پربارتری دارد؛ به علت ارتباط مستقیم و نزدیک فراماسونری با یهودیت، نحوه انجام مراسم و تشریفات، اصول و آداب و افکار ماسونی از تورات تحریف شده سرچشمه گرفته است (گروه تحقیقات علمی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵).

فراماسون ها را می توان احیاکننده جادوگری و شیطان گرایی در قاره اروپا در قرن شانزدهم میلادی دانست. گسترش سریع جادوگری و شیطان گرایی در اروپا در آن دوران، مخصوصاً در بین زنان سبب شد تا در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در اروپا در جنبش پاک سازی جادوگری و شیطان گرایی بیش از شصت هزار نفر از جادوگران که اکثر آن ها زن بودند، اعدام گردند. در اوایل قرن نوزدهم نهضتی از اشراف انگلستان که عضو گروه فراماسونری بودند، به رهبری سرفرانسیس داشود، گروه شیطان گرایی به نام باشگاه آتش جهنم را در شهر لندن تأسیس کردند و از اوایل قرن نوزدهم شهر لندن مرکز شیطان گرایی در اروپا شد. در دهه ۱۹۶۰ سرمایه داران یهود این گروه را حمایت کرده و چند گروه شیطان گرایی را در انگلستان و آمریکا به وجود آوردند که معروف ترین آن ها تشکیل «کلیسای شیطان» در شهر سانفرانسیسکو است (گروه تحقیقات علمی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

امروز مهم ترین ایستگاه های رادیویی و ماهواره ای در دست صهیونیست ها است که از آن جمله می توان مهم ترین ایستگاه آمریکا، یعنی صدای آمریکا را برشمرد که توسط «رابرت گلدمن» یهودی اداره می شود. از طرف دیگر صهیونیست ها تقریباً به طور کامل شرکت های تولید «هالیوود» را در دست دارند؛ برای مثال مالک شرکت «فاکس قرن بیستم»، ویلیام فاکس یهودی است (بناب، ۱۳۸۶، فصل سوم). در تولیدات فیلم های هالیوودی شیطان،



جادوگری و استفاده از نمادها برای رسیدن به خواسته‌ها و حساسیت‌زدایی جامعه از این امور را می‌توان برشمرد، که در این زمینه فیلم طالع نحس و هری پاتر را می‌توان برشمرد. در حال حاضر سحر و جادو، عرفان یهودی (کابالا)، علم و دانش، نفوذ سیاسی در قالب سازمان فراماسونری و شاخه‌های گوناگون هنر - خصوصاً سینمای هالیوود و موسیقی - به شیطان‌پرستی شکل نهایی خود را داده و امروز امکانات و ابزار فراوانی در اختیار این ایدئولوژی است. از این رو بی‌پرده به دنیا معرفی می‌شود تا دین آینده مردم اهالی دهکده جهانی باشد. فراماسونری با تمام سیاست‌های خبیثانه و پنهانی خود در فیلم «ثروت ملی» به عنوان میراث‌دار گنج عظیم و تاریخی تمام انسان‌ها به تصویر کشیده می‌شود (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲).

از آنچه بیان شد، روشن گردید صهیونیسم با دو وسیله فراماسونری و شیطان‌پرستی علیه دین به‌ویژه دین اسلام قد برافراشته و در این مطلب هیچ تردید وجود ندارد که یهودیت در قالب صهیونیسم سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان است. همچنین این نتیجه به‌دست می‌آید که یهودیت (صهیونیسم) به‌انحاء مختلف علیه مؤمنان به‌ویژه علیه اسلام و مذهب شیعه و مبانی آن از جمله مهدویت فعالیت گسترده دارد و در این راستا فیلم‌ها و بازی‌هایی از سوی این جریان ساخته و به کشورهای مختلف ارسال می‌شود. این فیلم‌ها و بازی‌ها با کارشناسی دقیق برای القا و نفوذ افکار شیطانی طراحی شده و با استفاده از نمادهایی که در آن‌ها به‌کاربرده می‌شوند، چه بخواهیم و چه نخواهیم آثار مخرب خود را در افکار و اذهان انسان تثبیت می‌کند.

دو فساد بزرگ بنی اسرائیل در زمین

قرآن از دو فساد بزرگ یهودیان در زمین خبر داده و می‌فرماید: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا» فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» (اسراء، ۴-۵). معنای آیه این است که ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد و برتری‌جویی بزرگی خواهید کرد. در آیات بعد به شرح این دو فساد بزرگ و حوادثی که بعد از آن به‌عنوان مجازات الهی واقع شد پرداخته چنین می‌گوید: «هنگامی که نخستین وعده

فرارسد و شما دست به فساد و خونریزی و ظلم و جنایت بزنید، ما گروهی از بندگان رزمنده و جنگجوی خود را به سراغ شما می‌فرستیم تا به کیفر اعمالتان شما را درهم بکوبد. این قوم جنگجو آن‌چنان بر شما هجوم می‌برند که حتی برای یافتن نفراستان هر خانه و دیاری را جست‌وجو می‌کنند و این یک وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر خواهد بود».

در آیات بعدی بیان شده که این قوم دوباره به قدرت می‌رسند و کشورش را از دست دشمنانشان پس می‌گیرند، اما دوباره به فساد و فتنه رو می‌آورند در این نوبت وعده دوم الهی فرامی‌رسد: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ...». هنگامی که این وعده دوم فرامی‌رسد باز گروهی جنگجو و پیکارگر بر شما چیره می‌شوند، آن‌چنان بلایی به سرتان می‌آورند که آثار غم و اندوه از صورت‌های شما می‌بارد. آن‌ها حتی بزرگ معبدتان بیت‌المقدس را از دست شما می‌گیرند و در آن داخل می‌شوند؛ همان‌گونه که بار اول داخل شدند و تمام سرزمین‌هایی را که اشغال کرده‌اند درهم می‌کوبند.

در آیات فوق، سخن از دو انحراف اجتماعی بنی‌اسرائیل که منجر به فساد و برتری‌جویی می‌شود به میان آمده است که به دنبال هر یک از این دو، خداوند مردانی نیرومند و پیکارجو را بر آن‌ها مسلط ساخته تا آن‌ها را سخت مجازات کنند و به کیفر اعمالشان برسانند.

در این‌که قرآن به کدام‌یک از این حوادث اشاره می‌کند، در میان مفسران گفت‌وگو بسیار زیاد است و نمی‌توان به صورت قطعی این احتمالات را با واقع مطابق دانست. یکی از این احتمالات این‌که این دو حادثه مربوط به رویدادهای بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل حزبی به نام «صهیونیسم» و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در قلب ممالک اسلامی است، منظور از فساد اول بنی‌اسرائیل و برتری‌جویی آن‌ها همین است و منظور از انتقام اولی آن است که ممالک اسلامی در آغاز که از این توطئه آگاه شدند دست‌به‌دست هم دادند و توانستند بیت‌المقدس و قسمتی از شهرها و قصبات فلسطین را از چنگال یهود بیرون آورند و نفوذ یهود از مسجدالاقصی به کلی قطع شد و منظور از فساد دوم هجوم بنی‌اسرائیل با اتکای نیروهای استعماری جهان‌خوار و اشغال سرزمین‌های اسلامی و گرفتن بیت‌المقدس و مسجدالاقصی است و به این ترتیب باید مسلمانان در انتظار پیروزی دوم بر بنی‌اسرائیل باشند به‌طوری‌که

مسجدالاقصی را از چنگال آن‌ها بیرون آورند و نفوذشان را از این سرزمین اسلامی به کلی قطع کنند، این همان چیزی است که همه مسلمین جهان در انتظار آن‌اند و وعده فتح و نصرت الهی است نسبت به مسلمانان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۶-۲۸).

زوال اسرائیل

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه دست قدرت‌های استکباری را از این کشور کوتاه کرد. این قدرت‌ها به‌خصوص آمریکا و اسرائیل با همدستی کشورهای دیگر در طول این چهل‌وهفت سال از هیچ تلاشی برای براندازی این نظام مقدس فروگذار نکردند و در حال حاضر هم با اهرم‌هایی که دارند سعی می‌کنند نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌سوی سقوط بکشانند و حتی نقشه‌هایی برای تجزیه این کشور و سایر کشورهای اسلامی دارند. رهبر شهید انقلاب اسلامی در تمام مدت رهبری خود در برابر این قدرت‌های شیطانی با پیروی از آیه شریفه «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم، ۲۷) ذره‌ای عقب‌نشینی نکرده و با استقامت و تکیه بر خداوند متعال نظام اسلامی را از میان طوفان‌های سهمگین نه‌تنها به‌سلامت عبور داده، بلکه با ساخت تجهیزات نظامی و مؤلفه‌های دیگر به آن قدرت بیشتری بخشیده و بالاخره با شهادتش در راه خدا ملت ایران را منسجم‌تر و متحدتر گردانید و باعث بیداری بسیاری از مسلمانان جهان و حتی غیرمسلمانان شد.

وطن‌فروسانی که خواب آشفته سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌وسیله آمریکا و اسرائیل در ذهنشان می‌پروراندند، باید بدانند که زوال دولت غاصب اسرائیل حتمی است. حتی در کتاب مکاشفه یوحنا پیشگویی‌هایی شده است که زوال اسرائیل را به‌وسیله پادشاهان شرق در جنگ آخرالزمان نوید می‌دهد؛ در کتاب مکاشفه یوحنا گفته شده که خداوند با به‌کار گرفتن یوحنا، توصیف کاملی از آنچه این جنگ آخرالزمان خواهد بود، به ما می‌دهد و ادامه می‌دهد: «یک ارتش ۲۰۰ میلیونی شرقی در طی یک سال به‌سمت غرب به حرکت درمی‌آید. این ارتش به حرکت در می‌آید و در تغییر مکان خود پرجمعیت‌ترین ناحیه‌های جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات، ویران خواهد ساخت». باب ۱۶ مکاشفه به ما می‌گوید که رودخانه فرات خشک خواهد شد و این به پادشاهان مشرق

زمین، مشرقیان، اجازه خواهد داد که سرزمین اسرائیل را درنوردند» (طریس هال سل، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

همچنین در پیشگویی‌های نوستردامس از فرمانروایی فراگیر اسلامی سخن به میان آمده و گفته شده: «با آتش و آهن، نه‌چندان دور از دریای سیاه نیروهایی از ایران می‌آیند تا «طرابوزان» را اشغال کنند «فاروس» و «مثلین» می‌لرزند، فرمانروایی فراگیر است دریای آدریاتیک از خون عرب‌ها پوشیده می‌شود» (اعرجی، بی‌تا، ص ۲۴۵).

در توضیح این پیشگویی گفته شده که سپاهی اسلامی از سوی ایران می‌آید و به سمت ترکیه (کشوری که در پیمان ناتو عضویت دارد) می‌رود و شمال این کشور را اشغال می‌کند و این منطقه همان کشور طرابوزان قدیم است. شاید هدف از نام بردن از این کشور، اشاره به دخالت غرب و سلطه آن‌ها بر همه شئون مسلمانان باشد؛ زیرا کشور طرابوزان، چنان‌که گفتیم کشوری بود که رومی‌ها یعنی پدران همین غربی‌ها در سرزمین ترکیه کنونی پدید آورده بودند، پس مفهوم حمله ایران حمله‌ای بر کل حاکمیت غرب است (اعرجی، بی‌تا، ص ۲۴۶).

نتیجه‌گیری

بررسی انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که صهیونیسم سیاسی پدیده‌ای متمایز از یهودیت دینی است و نه تنها با تعالیم اصیل تورات که با آموزه‌های انتظاری یهود نیز در تعارض آشکار قرار دارد. یهودیان ارتدکس و گروه‌هایی همچون ناطوری‌کارتا، دولت اسرائیل را ناقض وعده‌های الهی و مانع ظهور منجی موعود می‌دانند. از سوی دیگر، یهودیان لائیک و سکولار که دولت اسرائیل بر محور آنان شکل گرفته، با بهره‌گیری ابزاری از نمادهای دینی و مفاهیمی چون «قوم برگزیده» و «سرزمین موعود»، جنبشی نژادپرستانه و توسعه‌طلب بنیان نهاده‌اند که ریشه در خودبرتربینی و تفسیرهای تحریف شده تورات دارد. مستندات تاریخی نشان می‌دهد که یهودیان از دیرباز با نفوذ در دستگاه کلیسا، تشکیل سازمان‌های سرّی فراماسونری و شیطان‌پرستی و حمایت از جریان مسیحیان صهیونیست، در پی تحقق آرمان خود مبنی بر حاکمیت نسل بنی‌اسرائیل بر جهان بوده‌اند. قرآن کریم ضمن اشاره به دو فساد بزرگ بنی‌اسرائیل در زمین، آنان را سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان معرفی می‌کند و

در عین حال با تأکید بر معیار تقوا، هرگونه برتری نژادی را مردود می‌شمارد. برپایه آیات سوره اسراء و تفاسیر مفسران، مسلمانان در انتظار تحقق وعده الهی و پیروزی نهایی بر صهیونیسم هستند؛ پیروزی‌هایی که انقلاب اسلامی ایران نقطه عطف آن بوده و رهبری شهید آن، با استقامت و تکیه بر خدا، مسیر زوال دولت غاصب اسرائیل را هموار ساخته است. پیشگویی‌های کتاب مکاشفه و نوسترداموس نیز از نابودی اسرائیل به دست پادشاهان شرق حکایت دارند. از این رو دشمنی دیرینه یهود با اسلام و مسلمانان، اگرچه تاکنون خسارت‌های فراوانی به دنبال داشته، اما در نهایت با تحقق وعده‌های الهی و بیداری امت اسلامی، به شکست و زوال صهیونیسم خواهد انجامید.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. کتاب مقدس
۲. شرف‌الدین، اعرجی، تحلیلی از پیشگویی‌های نوستردامس: تاریخ و آینده از نظرگاه اسلام، ترجمه عباسعلی براتی، بی‌جا: انتشارات سعیدبن جبیر، بی‌تا.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چ ۸، انتشارات گلشن، ۱۳۸۱.
۴. بوکای، موریس، مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، چ ۱۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۸۸.
۵. بهاء‌الامیر، یهودیان و جنبش‌های سرّی در دوران جنگ‌های صلیبی، مترجم مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد، ۱۳۹۶.
۶. حسینی شیرازی، سیدمحمد، دنیا بازیچه یهود، ترجمه هادی مدرسی، چ ۱، اصفهان: نشر حجت، ۱۳۷۸.
۷. رحمانی، شمس‌الدین، تصویر آینده، چ ۲، تهران: ضیاء اندیشه، ۱۳۷۸.
۸. رحمانی، شمس‌الدین، جنایت جهانی، چ ۲، تهران: پیام نور، ۱۳۸۱.
۹. رشاد، یوسف، نقش‌آفرینی یهودیان مخفی در مسیحیت، ترجمه عباس کسنکی، چ ۱، تهران: هلال، ۱۳۹۰.
۱۰. هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان، چ ۲، ترجمه قیس زعفرانی، تهران: موعود، ۱۳۸۴.
۱۱. شارل لوران، روهلنج، الكنز المرصود فی قواعد تلمود، بی‌جا: تعریب یوسف حنا نصر-الله، بی‌تا.
۱۲. قربانی، زین‌العابدین، اسلام و حقوق بشر، چ ۱، تهران: سایه، ۱۳۸۳.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۴. طوسی، ابن‌جعفر محمدبن‌الحسن، التبیان، چ ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.



۱۵. عبد خدایی، مجتبی، واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چ ۱، ۱۳۸۲.
۱۶. جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، چ ۳، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۶.
۱۷. کریمی، حمید، جهان تاریک، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۸. کریمیان، احمد، یهود و صهیونیسم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۱۹. کونگ، هانس، متفکران بزرگ مسیحی، ترجمه گروه مترجمان، چ ۱، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.
۲۰. گروه تحقیقات علمی، فراماسونری و یهود، ترجمه جعفر سعیدی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
۲۱. گروه تحقیقات علمی، مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، چ ۲، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۲. گریس هال سل، تدارک جنگ بزرگ (براساس پیشگویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل)، ترجمه خسرو اسدی، چ ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۲۳. ماضی محمد، سیاست و دیانت در اسرائیل، چ ۱، ترجمه سیدرضا تهامی، تهران: انتشارات سنا، ۱۳۸۱.
۲۴. محمدی اشتیاردی، محمد، بابی‌گری و بهایی‌گری، چ ۵، قم: انتشارات ناصر، ۱۳۸۷.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۶. واحدی، محمدرضا، بوی خون، چ ۱، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۲.
۲۷. وان ووریت، رابرت ای، مسیحیت از لایه‌های متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسولزاده، چ ۱، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۴.
۲۸. هرتر برگ، آرتور، یهودیت از لایه‌های متون، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، چ ۱، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۸.

